

آزادی بیان در مصوبه های جهانی

نوشته یونس شکرخواه

تعریف آزادی بیان، برای نخستین بار در اواخر قرن هجدهم، در ماده اعلامیه حقوق بشر و شهروند^۱ انقلاب فرانسه، مصوب سال ۱۷۸۹ ارایه شد. اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه که مشتمل بر یک مقدمه و ۱۷ ماده است و بعدها الهام بخش کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مصوب سال ۱۹۵۰) نیز شد، آزادی بیان را چنین تعریف می‌کند:

انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است. بنابراین، هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند. به استثنای مواردی که برای مقابله با سوءاستفاده از این آزادی، در قانون مشخص شده و قابل تعقیب است

دکتر کاظم معتمد نژاد، استاد دانشگاه علامه طباطبایی درباره این ماده در مقاله ارتباطات الکترونی و حق آزادی بیان می‌نویسد:

به طوری که ملاحظه می‌شود، از طریق این ماده، برای نخستین بار، در یکی از اسناد حقوقی بنیادی جهان، تعریف کامل و جامعی از آزادی بیان و زمینه‌های اصلی آن شامل آزادی کلام، آزادی قلم و آزادی چاپ، عرضه گردیده و محدودیت آنها هم خاطر نشان شده است. به همین لحاظ، برخی از محققان ارتباطی فرانسه، محتوای این ماده را قابل شمول بر تمام امکانات و وسایل ارتباطی شناخته‌اند و آن را معرف آزادی ارتباطات به صورت عام (آزادی

بیان، آزادی کلام، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات ... دانسته‌اند.

درعین حال «اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا^۱ مصوب ۱۷۹۱ نیز که با ۹ اصلاحیه دیگر در سال ۱۷۹۱ به قانون اساسی آمریکا ضمیمه شد» می‌گوید:

کنگره نباید قانونی جهت به رسمیت شناختن تشکیل یک مذهب، یا ممنوع کردن انجام آن وضع کند؛ حق آزادی بیان، یا مطبوعات، یا حق اجتماع صلح آمیز افراد و حق استیناف به دولت جهت جبران شکایت، نباید کاسته شود

از دیگر سو، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ نیز که شامل یک دیباچه و ۳۰ ماده است و دهم دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع سازمان ملل به تصویب رسیده است، در ماده ۱۹ خود این گونه به مقوله آزادی بیان می‌پردازد:

هر کس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و این حق شامل پذیرفتن هرگونه رای بدون مداخله اشخاص می‌باشد و می‌تواند به هر وسیله که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اختیار و افکار را جست و جو و دریافت کند و انتشار دهد. ماده مهم بین المللی دیگر در این زمینه ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳ مصوب چهارم نوامبر ۱۹۵۰ است که در رم ایتالیا به تصویب رسید و دارای یک مقدمه، پنج بخش، ۶۵ ماده و پنج پروتکل است. در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چنین آمده است:

هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق باید متضمن داشتن آزادی در عقیده، کسب و اشاعه اطلاعات و عقاید، بدون مداخله اقتدار عمومی و صرف نظر از مرزها باشد این ماده نباید مانع التزام دولت‌ها برای صدور مجوز در زمینه های فعالیت‌های مربوط به پخش رادیویی، تلویزیونی و سینمایی شود اعمال این آزادی‌ها از آنجا که متضمن وظایف و مسؤولیت‌های خاص است، در معرض تشریفات، موقعیت‌ها، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی قرار می‌گیرد که در قانون دیده شده و رعایت آنها در یک جامعه دموکراتیک، به خاطر مصلحت امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی و به خاطر ممانعت از بی قانونی و جرم، به خاطر حفظ سلامت یا اخلاق، به خاطر حفظ حیثیت یا حقوق دیگران، به خاطر ممانعت از افشای اطلاعات محرمانه، یا حفظ اقتدار و بی طرفی قوه قضاییه ضروری است.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ نیز که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده است و در واقع فهرستی از حقوق مدنی و سیاسی مشخص تر، از آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده را در خود دارد، در ماده ۱۹ چنین آورده است:

۱. هرکس حق داشتن عقاید را بدون مداخله دیگران دارد.
۲. هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و کسب و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به مرزها خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
۳. اعمال حقوق مذکور در بند دوم این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

- اما از دیگر سو، عهد نامه آمریکایی حقوق بشر^۲ که در سال ۱۹۴۸ تصویب رسید و دارای یک مقدمه و ۳۶ ماده است، در ماده ۳ خود این چنین به مقوله آزادی اندیشه و بیان پرداخته است:
۱. هرکس حق آزادی اندیشه و بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و کسب و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به مرزها، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
 ۲. اعمال حقوق مذکور در پاراگراف پیشین، نباید در معرض سانسور از پیش باشد، اما تابع مسؤولیت‌هایی است که قانون اعمال آن را تا حد ضروری و در حد تضمین برای امور ذیل ضروری می‌داند:

الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

۳. حق بیان، نباید با روش‌ها و شیوه‌های غیر مستقیم نظیر سوء استفاده از کنترل‌های دولتی و خصوصی بر چاپ روزنامه، فرکانس‌های پخش رادیویی، یا تجهیزات مورد استفاده در اشاعه اطلاعات و یا با هر وسیله دیگر برای جلوگیری از تبادل و توزیع آرا و عقاید محدود شود.

۴. صرف نظر از موارد پیش بینی شده در پاراگراف‌های فوق، سرگرمی‌های عمومی به منظور مقررات دسترسی به آنها، به منظور حفظ اخلاق کودکان و بزرگسالان تابع سانسور از پیش خواهد بود.

۵. هرگونه تبلیغ برای جنگ، یا هر نوع دفاع از تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک خشونت غیر قانونی، یا هر نوع عمل غیر قانونی دیگر علیه شخص یا گروهی از اشخاص به

هر بهانه اعم از نژاد، رنگ، مذهب، زبان یا منشأ ملی باشد، جرم تلقی شده و مطابق قانون، قابل مجازات است.

به فهرست تاریخی مقررات و قوانین مرتبط با آزادی بیان بازهم می توان افزود، اما دکتر رویا معتمدنژاد، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی در مقاله عمیق خود تحت عنوان آزادی بیان و جامعه اطلاعاتی که مبنای طبقه بندی یافته های حقوقی این پژوهش بوده است، بر این باور است که تعریف آزادی بیان تاکنون طی سه قرن اخیر در چهار مرحله تکامل یافته است. وی تعاریف آزادی های عمومی را جزو مرحله اول حقوق بشر (مثل اعلامیه های استقلال آمریکا، و اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه)، تعاریف حقوق مطالبه ای را جزو مرحله دوم، تعاریف حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق برخورداری از صلح و حق برخورداری از توسعه را جزو مرحله سوم و بالاخره تعاریف آزادی های برخاسته از تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و از جمله اینترنت را که از ۱۹۸۰ به بعد رایج می شود جزو چهارمین مرحله طبقه بندی می کند.

اما از جمله قوانین مربوط به چهارمین مرحله تحول مفهوم آزادی بیان که با بروز فناوری های نوین و فراگیرتر شدن مفهوم جامعه اطلاعاتی تدوین شد، اعلامیه آزادی بیان و اطلاعات، کمیته وزرای شورای اروپا مصوب ۱۹۸۲ است که دارای یک مقدمه هشت ماده ای و سه بخش دیگر به عنوان متن است.

اعلامیه آزادی بیان و اطلاعات، کمیته وزرای شورای اروپا در ماده دوم مقدمه خود بر ماده دهم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأکید کرده و در مورد آزادی بیان و اطلاعات در ماده چهارم مقدمه چنین آورده است:

آزادی بیان و اطلاعات، برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انسان، ضروری است و شرط پیشرفت هماهنگ گروه های اجتماعی و فرهنگی، ملت ها و جامعه بین المللی، به شمار می رود.

اما از سوی دیگر سازمان امنیت و همکاری اروپا در سند موسوم به توافق نشست مادرید (۱۹۸۳) به آزادی بیان پرداخته و تلاش کار کرده است به گونه ای کاربردی مسیر آزادی بیان را روشن تر و هموارتر سازد. سازمان امنیت و همکاری اروپا در سند مادرید در بخش اطلاعات خود آورده است:

آنها (دولت های شرکت کننده) خواهان این هستند که همکاری وسایل ارتباط جمعی و نمایندگان آنها، به ویژه همکاری میان اعضای هیأت تحریریه های خبرگزاری ها، روزنامه ها،

سازمان های رادیویی و تلویزیونی و همچنین کمپانی های فیلمسازی گسترش یابد. آنها تبادل دایمی تر اخبار، مقالات، ضمیمه ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی و همچنین تبادل نیروهای تحریریه ای را برای دانش بهتر در رویه های مربوطه تشویق می کنند. آنها بر پایه یک اقدام متقابل، تسهیلات مادی و فنی را که برای گزارشگران دایمی یا موقت تلویزیونی و رادیویی ضروری است، فراهم خواهند ساخت. علاوه بر این، آنها همچنین امکان تماس مستقیم میان روزنامه نگاران را در چارچوب سازمان های حرفه ای، فراهم خواهند ساخت. در سند موسوم به توافق نشست مادرید اگرچه به طیف کامل رسانه ها توجه شده، اما اشاره ای به روزنامه نگاری آنلاین نشده است و تأکیدات هنوز بر ژورنالیسم نوشتاری و الکترونیک (رادیو و تلویزیون) است.

اما نشست سازمان امنیت و همکاری اروپا تحت عنوان نشست پیگیری وین (۱۹۸۶) مصوبات امیدوارکننده تری برای روزنامه نگاری آنلاین دارد. اگر چه که در این سند نیز هیچ اشاره ای به روزنامه نگاری آنلاین نشده اما سازمان امنیت و همکاری اروپا در سند پی گیری وین در بخش اطلاعات در ماده ۳۴ خود با اشاره به مقولاتی چون حقوق مالکیت معنوی، کپی رایت، حق کسب، مالکیت، باز تولید و توزیع همه نوع اطلاعات، آورده است:

آنها (دولت های شرکت کننده) به تلاش های خود برای کمک به دانش و درک گسترده تر از زندگی در کشورهایشان ادامه خواهند داد تا اعتماد مردم را افزایش دهند. آنها تلاش های بیشتری به عمل خواهند آورد تا اشاعه همه نوع اطلاعات را گسترده تر و آزادتر سازند تا از این طریق همکاری در حوزه اطلاعات را تشویق و شرایط کاری روزنامه نگاران را ارتقاء دهند. آنها در این رابطه و در هماهنگی با میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بیانیه جهانی حقوق بشر و تعهدات بین المللی مرتبط با جست و جو، دریافت و اشاعه انواع اطلاعات، تضمین خواهند داد که افراد می توانند آزادانه منابع اطلاعاتی خود را انتخاب کنند. در این گستره آنها:

– تضمین خواهند کرد که فعالیت های خدمات رادیویی که مطابق مقررات رادیویی اتحادیه بین المللی ارتباطات دوربرد باشد به طور نرمال و آزاد در کشورها قابل دریافت باشد و – اجازه فعالیت خواهند داد به افراد، نهادها و سازمان ها در صورتی که به حقوق مالکیت معنوی مشتمل بر کپی رایت، حق کسب، مالکیت، باز تولید و توزیع همه نوع اطلاعات، احترام بگذارند. آنها برای نیل به این اهداف، هر نوع محدودیت ناسازگار با تعهدات و التزامات پیش گفته را حذف خواهند کرد.

اما مهم ترین بند معنا دار در سند پیگیری وین اشاره صریح آن به استفاده و کمک دادن به

ابزارهای مدرن ارتباطی و توجه کردن به تأثیرات این ابزارهای مدرن ارتباطی بر وسایل ارتباط جمعی در مسیر افزایش و اشاعه گسترده تر و آزادتر همه نوع اطلاعات است. این صراحت کلام اروپایی ها در زمینه تاثیر تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر آزادی بیان در هیچ سند جهانی دیگر به چشم نمی خورد. سازمان امنیت و همکاری اروپا در ماده ۳۵ مصوبات نشست پیگیری وین آورده است:

آنها (دولت های شرکت کننده) از هر فرصتی که ابزارهای مدرن ارتباطی مشتمل بر کابل و ماهواره فراهم سازد، در جهت افزایش اشاعه گسترده تر و آزادتر همه نوع اطلاعات استفاده خواهند کرد. آنها همچنین همکاری و تبادل اطلاعات بین نهادها، سازمان ها و کارشناسان فنی را تشویق و در جهت هماهنگ سازی معیارها و هنجارهای فنی کار خواهند کرد. آنها تأثیرات این ابزارهای مدرن ارتباطی بر وسایل ارتباط جمعی را در نظر خواهند داشت.

سازمان امنیت و همکاری اروپا در نشست کپنهاگ خود نیز که درباره جنبه انسانی (ژوئن ۱۹۹۰) است، بازم بر آزادی بیان تاکید می ورزد. این تأکید، مشارکت فعالانه را در گستره حقوق بنیادین شهروندان در بر می گیرد. سازمان امنیت و همکاری اروپا در ماده ۱۰ مصوبات نشست کپنهاگ آورده است:

(۱۰) دولت های شرکت کننده با تأیید دوباره تعهد خود بر تضمین مؤثر حقوق فردی مشتمل بر حق دانستن و عمل بر مبنای حقوق بشر و آزادی های بنیادین و مشارکت فعالانه، چه فردی و چه با دیگران، در جهت حفظ و ارتقای این حقوق، تعهد خود را به این موارد اعلام می دارند:

(۱۰.۱) احترام به حقوق همگان، چه فردی و چه با دیگران، در جست و جو، کسب و اشاعه آزادانه دیدگاه ها اطلاعات درباره حقوق بشر و آزادی های بنیادین، مشتمل بر حقوق اشاعه و نشر چنین دیدگاه ها و اطلاعاتی.

سازمان امنیت و همکاری اروپا در منشور پاریس برای اروپای جدید (اجلاس سران، نوامبر ۱۹۹۰) هم مجدداً بر آزادی بیان تأکید دارد و در بندش صوبات سمپوزیوم کراکو درباره میراث فرهنگی کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا (جولای ۱۹۹۱) بر تکثرگرایی که محصول فضای رسانه ای نوین است، تأکید می کند:

آنها (دولت های شرکت کننده) این اعتقاد را اعلام می دارند که تنوع ابزارهای اشاعه نظیر انتشاراتی ها، پخش رادیویی، فعالیت های مربوط به تلویزیون و سینما، تئاتر و گالری ها، حوزه های هنری و فرهنگی، مستقل از (مداخلات) دولت است و به تضمین تکثرگرایی و

آزادی بیان هنری و فرهنگی کمک می‌کنند.

وسایل ارتباط جمعی الکترونیک دوباره از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا در بند هفت مصوبات نشست کارشناسان این سازمان درباره اقلیت های ملی (ژنو - جولای ۱۹۹۱) مورد تأکید قرار می‌گیرد:

در دسترسی به رسانه ها (دولت های شرکت کننده) هیچ تبعیضی علیه هیچکس به دلایل قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی اعمال نخواهند کرد آنها اطلاعاتی را فراهم خواهند ساخت که به وسایل ارتباط جمعی الکترونیک در لحاظ کردن هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت های ملی کمک کند.

نشست مسکو سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه جنبه انسانی (اکتبر ۱۹۹۱) هم مواد ۲۶، ۲۸ و ۳۴ خود را دوباره به مقولات آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات اختصاص داده است. به عنوان نمونه در ماده ۲۹ چنین آمده است:

آنها این مسأله را در نظر می‌گیرند که رسانه های چاپی و رادیو و تلویزیونی در قلمروهای خود باید از دسترسی نامحدود نسبت به اخبار خارجی و خدمات اطلاع رسانی برخوردار باشند. مردم نیز متقابلاً از آزادی مشابهی در دریافت اطلاعات، اخبار و عقاید، بدون مداخله سازمان های دولتی، صرف نظر از مرزها، مشتمل بر استفاده از نشریات و رادیو و تلویزیون های خارجی برخوردار خواهند بود. هر نوع اعمال محدودیت در برابر این حق باید بر اساس پیش بینی قانون و سازگار با معیارهای بین المللی باشد.

در گزارش اسلوه به شورای سازمان امنیت و همکاری اروپا (نوامبر ۱۹۹۱) هم در یک ماده از استقلال کامل تحریری دفاع می‌شود

اما سال ۱۹۹۲ را می‌توان سال سر فصل توجه اروپا به رسانه های آزاد برخاسته از فضای دیجیتالی قلمداد کرد. سازمان امنیت و همکاری اروپا علی‌رغم داشتن ده ها مصوبه روشن و تاریخی در عرصه آزادی بیان به دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر خود دستور می‌دهد تا یک سمینار تشکیل دهد. این دستور در نشست سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در هلسینکی تحت عنوان چالش های تغییر در سال ۱۹۹۲ در ماده شش با سر فصل ابعاد انسانی: رسانه های آزاد، مصوب می‌شود:

دولت های شرکت کننده به دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان دستور می‌دهند سمیناری برای سازمان امنیت و همکاری اروپا درباره رسانه های آزاد در سال ۱۹۹۳ با هدف تشویق بحث، حرکت و ایجاد تماس برای تبادل اطلاعات میان نمایندگان دولت ها و

دست‌انداکاران رسانه ها، تشکیل دهد.

تصمیمات نشست شورای رم در سال بعد اگر چه نشان می‌دهد که سازمان امنیت و همکاری اروپا از پی‌گیری مصوبه نشست سران سازمان در هلسینکی در مورد سمینار رسانه های آزاد راضی است، اما دغدغه عقب افتادن از تحولات هم در تصمیمات نشست شورای رم تحت عنوان سازمان امنیت و همکاری اروپا و اروپای نوین: امنیت ما قابل تقسیم نیست (۱۹۹۳) به چشم می‌خورد:

وزیران، قدردانی خود را از کار انجام شده در سمینار رسانه های آزاد برای ترغیب محتوای مستقل در مطبوعات آزاد و رسانه های رادیویی و تلویزیونی اعلام می‌دارند. آنها بر تعهد به تضمین آزادی بیان به عنوان حقی بنیادین که ضرورت رسانه های مستقل در جامعه مستقل و باز است، تأکید می‌کنند. وزیران برای نیل به این هدف تصمیم گرفتند که باید از ابزارهای جنبه انسانی سازمان امنیت و همکاری اروپا به طرز بهتری برای رشد رسانه های باز و متنوع مشتعل بر کشف امکان استفاده از مأموریت‌های سازمان استفاده شود.

اما در همین حال، توجه به مقوله آزادی بیان که در چهارمین مرحله تحول این مفهوم به کمک ابزارهای نوین ارتباطی انعکاس گسترده تری یافت، باعث شد تا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ دستور تشکیل شدن دفتر گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره آزادی عقیده و بیان را بدهد، تا محتوای دقیق حق آزادی عقیده و بیان را روشن تر سازد. گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره آزادی عقیده و بیان در سال ۱۹۹۵ اعلام داشت حق جست و جوی دسترسی داشتن به اطلاعات یکی از اساسی ترین عناصر آزادی سخن و بیان است. گزارشگر ویژه این دفتر که از سال ۱۹۹۷ به بعد، سالیانه به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گزارش می‌دهد، در گزارش خود به کمیسیون در سال ۲۰۰۰ اعلام کرد:

گزارشگر ویژه، توجه حکومت‌ها را به برخی از قلمروها جلب می‌کند و از حکومت‌ها می‌خواهد یا در قوانین موجود تجدید نظر کنند و یا قوانین تازه‌ای را برای دسترسی به اطلاعات تصویب و انطباق آن را با این اصول کلی تضمین کنند.

منشور حقوق بنیادین و آزادی‌های جمهوری چک از مصوبات دیگری است که در سال ۱۹۹۳ در چهارمین مرحله تحول مفهوم آزادی بیان شکل گرفت. ماده هفدهم این منشور بدون اشاره به رسانه‌های نوین تصویب شده است. در این ماده آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات تضمین شده است.

بسوی مشارکت واقعی در دوران جدید عنوان نشست سال ۱۹۹۴ سازمان امنیت و

همکاری اروپا در بوداپست است که در آن در سر فصل آزادی بیان و رسانه های آزاد در ماده ۳۶ بر ضرورت وجود رسانه های مستقل و کثرت گرا، برای جامعه آزاد و باز تأکید می شود: دولت های شرکت کننده بر تضمین آزادی بیان به عنوان حق بنیادین و مؤلفه ای بنیادین از یک جامعه دموکراتیک مجدداً تأکید می ورزند. در این رابطه رسانه های مستقل و کثرت گرا، برای جامعه آزاد و باز و برای دولت هایی با نظام های قابل حسابرسی ضروری اند. این رسانه ها حفظ این حقوق را اصل راهنمای خود می دانند.

مورد دیگری که در چهارمین مرحله تحول مفهوم آزادی بیان تدوین شده است، اصول ژوهانسبورگ درباره امنیت ملی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات مصوب اول اکتبر ۱۹۹۵ است. اصول ژوهانسبورگ که درباره امنیت ملی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات است، توسط گروهی از کارشناسان حقوق بین الملل، امنیت ملی و کارشناسان حقوق بشر در ژوهانسبورگ تصویب شده و بر آزادی بیان متمرکز است. اصول ژوهانسبورگ مشتمل بر یک مقدمه، ۲۵ اصل و یک ضمیمه است که در سومین بند اصل یکم آن که عنوان آزادی عقیده، بیان و اطلاعات را دارد، چنین آمده است: نمی توان هیچ محدودیتی را بر آزادی بیان و یا اطلاعات در زمینه هایی امنیت ملی اعمال کرد، مگر این که دولت بتواند اثبات کند که محدودیت تجویز شده قانونی است و برای حفظ امنیت ملی مشروع در یک جامعه دموکراتیک ضرورت دارد. مسؤولیت اثبات اعتبار اعمال این محدودیت با دولت است.

سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در نشست لیسبون (سال ۱۹۹۶) در ماده یازده مصوبات خود که تنها مصوبه ارتباطی آنان در این نشست است، خواستار گسترش راه های تمرکز بر اجرای تعهدات سازمان در زمینه رسانه ها می شوند و همچنین به ضرورت تعیین یک قیم^۶ به عنوان نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها پی می برند:

آزادی مطبوعات و رسانه ها جزو پیش شرط های بنیادین جوامع واقعاً دموکراتیک و مدنی است. ما در سند نهایی هلسینکی به این اصل احترام گذاشته ایم. این ضرورت وجود دارد که تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا و سایر سازمان های بین المللی را در زمینه رسانه ها به نحو مقتضی در نظر بگیریم. بنابراین از شورای دایمی می خواهیم راه های تمرکز بر اجرای تعهدات سازمان در زمینه رسانه ها را گسترش داده و همچنین راه های تعیین یک قیم به عنوان نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها را تا پیش از نشست وزیران در سال ۱۹۹۷ مشخص سازد.

سازمان امنیت و همکاری اروپا سال بعد در ۹ مصوبه (مواد ۱، ۷ تا ۱۴) بر چند مورد مهم

از جمله دایرکردن نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها تأکید می‌ورزد تا راه آزادی بیان را بی‌برگشت کند. در ماده یکم چنین آمده است:

دولت‌های شرکت‌کننده دوباره اصول و تعهداتی را که در زمینه رسانه های آزاد درباره اش به توافق رسیده‌اند، مورد تأیید قرار می‌دهند. آنها به ویژه یادآور می‌شوند که آزادی بیان یک حق بنیادین انسانی و شناخته شده بین المللی و مؤلفه ای بنیادین از جامعه دموکراتیک است و مطبوعات آزاد، مستقل و کثرت‌گرا برای جامعه آزاد و باز و نظام های دارای دولت‌های قابل حسابرسی ضروری اند. دولت‌های شرکت‌کننده با در نظر گرفتن اصول و تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا و در پایبندی کامل به اجرای پاراگراف یازدهم بیانیه اجلاس سران درلیسبون، تصمیم می‌گیرند تا تحت لوای شورای دائمی، نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها را دایرکنند. هدف این اقدام تقویت انجام اصول و تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا و همچنین بهبود اقدام هماهنگ مؤثر توسط دولت‌های شرکت‌کننده مبتنی بر ارزش‌های مشترک است. دولت‌های شرکت‌کننده این نکته را تأیید می‌کنند که با نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها همکاری کنند. این نمایندگی به دولت‌های شرکت‌کننده، در استمرار تعهد آنها به رسانه ها آزادتر، مستقل تر و کثرت‌گرا، یاری خواهد رساند.

آنها در نهمین مصوبه خود ویژگی های نماینده و قیم آزادی های رسانه ای را نیز مشخص می‌سازند:

نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها یک شخصیت برجسته بین المللی با تجربه مرتبط طولانی خواهد بود که از او توقع می‌رود کارکرد بی‌طرفانه داشته باشد. سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه ها در انجام وظایف خود و در ارتباط با پاراگراف‌هایی که این قیمومیت را تعریف می‌کنند از ارزیابی مستقل و عینی برخوردار خواهد بود.

اما از دیگر سو مصوبات نشست سران سازمان امنیت و همکاری اروپا که در بیانیه استانبول (مصوب ۱۹۹۹) متجلی می‌شود در مواد ۲۶ و ۲۷ سرشار از دستاوردهای تازه در قلمروهای مرتبط با رسانه های نوین است. در بخش منشور امنیت اروپا: ماده ۲۶ در بیانیه استانبول آمده است:

ما (دولت‌های شرکت‌کننده) بر اهمیت رسانه های مستقل و جریان آزاد اطلاعات و همچنین دسترسی به اطلاعات، دوباره تأکید می‌کنیم. ما خود را به انجام همه اقدامات

ضروری در جهت تضمین شرایط بنیادین ضروری برای رسانه های آزاد و مستقل، جریان اطلاعات بی مانع فرا- مرزی و بین کشوری که از نظر ما مؤلفه ذاتی هر جامعه باز، آزاد و دموکراتیک است، متعهد می دانیم.

و این در حالی است که در ماده ۲۷ بیانیه استانبول نیز چنین آمده است:

ما (دولت های شرکت کننده) خود را به تضمین آزادی رسانه ها به عنوان شرط بنیادین جامعه کثرت گرا و دموکراتیک متعهد می دانیم. ما عمیقاً نگران بهره برداری از رسانه ها در دامن زدن به نفرت و تنش های قومی در مناطق کشمکش زده و نگران اتخاذ محدودیت های قانونی و استفاده از ارباب در جهت محروم کردن شهروندان از رسانه های آزاد هستیم. ما بر ضرورت تضمین آزادی بیان که عنصری ذاتی در گفتمان سیاسی هر دموکراسی است تأکید می ورزیم. ما از تلاش دفتر نمایندگی آزادی رسانه ها در جهت ارتقای رسانه های مستقل و آزاد حمایت می کنیم.

اما در میان قوانین و مقررات مرتبط با چهارمین مرحله تحول مفهوم آزادی بیان که برخاسته از بروز و رواج تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است ماده دوازدهم قانون اساسی فنلاند (مصوب سال ۲۰۰۰) بسیار نادر و قابل توجه است. ماده دوازدهم قانون اساسی فنلاند، کاملاً رسانه های مدرن را تفکیک می کند:

هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق در بردارنده حق بیان، اشاعه و دریافت اطلاعات، عقاید و سایر ابزارهای ارتباطی، بدون مداخله پیشین توسط هرکس است. پیش بینی های بیشتر و تفصیلی تر در زمینه اعمال این آزادی بیان توسط قانون مشخص می شود. محدودیت های مرتبط با برنامه های تصویری که برای حفظ کودکان لازم هستند توسط قانون پیش بینی می شود.

مورد مهم دیگر در این زمینه کاربرد زبان نفرت در اینترنت^۴ است که یک مفهوم تازه است و اخیراً هم در دنیای اینترنت و به ویژه بین اروپایی ها بیشتر رواج یافته است. این عبارت در واقع از وقتی طرف توجه قرار گرفت که اروپایی ها تصمیم به وضع قوانین سایبر علیه آن گرفتند، البته هنوز قانونی در این زمینه به تصویب نرسیده، ولی احتمال آن زیاد است. در ضمن باید اضافه کرد که این شورای اروپا - و نه اتحادیه اروپا - است که دنبال این موضوع را گرفته است و می خواهد کاربرد زبان نفرت در اینترنت را جزو میثاق جرایم سایبر (مصوب بوداپست ۲۰۰۱) منظور کند. از دیدگاه شورای اروپا [متشکل از ۴۴ کشور اروپایی و چندین کشور غیر اروپایی از جمله آمریکا که فقط ناظر می باشند و عضو کامل به حساب نمی آیند]

کاربرد زبان نفرت در اینترنت یک نوع دامن زدن به نفرت های نژادی و بیگانه ستیزی است. جالب است بدانید کشورها هنوز می توانند میثاق جرایم سایبر مصوب بوداپست^۱ را که دارای یک مقدمه، چهار فصل و چهل و هشت ماده است امضا کنند. هدف این چهل و هشت ماده در میثاق جرایم سایبر ایجاد وحدت در سیاست و رویه بین کشورهای عضو شورای اروپا در قبال برخورد با جرایم برخاسته از فضای سایبر است. کاربرد زبان نفرت در اینترنت ممکن است بهانه مناسبی برای جلوگیری از آزادی بیان باشد.

مورد قابل ذکر دیگر در این زمینه اعلامیه اصول آزادی بیان در آفریقا است که توسط کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق ها در سی و دومین نشست این کمیسیون در روزهای هفدهم تا بیست و سوم اکتبر ۲۰۰۲ در بانجول گامبیا به تصویب رسیده است. اعلامیه اصول آزادی بیان در آفریقا شامل یک مقدمه، ۱۶ بخش و یک متمم است و در اصل اول از مجموعه اصول آزادی بیان در آفریقا تحت عنوان تضمین آزادی بیان چنین آمده است:

۱. آزادی بیان و اطلاعات مشتمل بر حق آزادی جست و جو، کسب و اشاعه اطلاعات و افکار، خواه شفاهی، خواه نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر یک از اشکال ارتباطی و فرامرزی، یک حق بشری لاینفک و مؤلفه ای لاینفک از دموکراسی است.

۲. همه افراد باید بدون تبعیض در اعمال حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات از فرصت برابر برخوردار باشند

اما در اصل دوم از مجموعه اصول آزادی بیان آفریقا تحت عنوان عدم مداخله در آزادی بیان آمده است:

۱. هیچکس نباید در معرض مداخله عامدانه در زمینه آزادی بیان باشد

۲. هر نوع اعمال محدودیت در زمینه آزادی بیان باید پایه قانونی داشته باشد، در خدمت یک نفع مشروع و ضروری بوده و برای یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد

تأکید این قوانین از یک سو بر ویژگی فرامرزی و آزادی اطلاعات و بیان است و در واقع معنی این تأکیدها گسترش دامنه نفوذ اینترنت در جهان است و از سوی دیگر، خاطر نشان می شود این روند باید در چارچوب های حقوقی بگونه ای طراحی شود که ضرورت های جوامع دموکراتیک را نقض نکند (امنیت ملی مشروع یک جامعه دموکراتیک، مورد تأکید بیانیه ژوهانسبورگ و اعمال محدودیت قانونی در خدمت نفع مشروع و ضروری برای یک جامعه دموکراتیک، مورد تأکید اعلامیه اصول آزادی بیان در آفریقا).

اما علی رغم آنچه در قبال مواد مهم مرتبط با آزادی بیان مطرح شد مجموعه ای از نکات

مهم در گزارش پایانی سمپوزیوم آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی^{۱۱} که در سال ۲۰۰۲ از سوی کمیسیون ملی فرانسه در پاریس^{۱۲} و با همکاری یونسکو تحت عنوان تصمیم سازی سیاسی برگزار شد، به چشم می خورد.

در بخش سوم گزارش پایانی سمپوزیوم آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی چنین آمده است: پرهیز از خصوصی سازی سانسور از اهمیت بسیار برخوردار است. ما باید نقش دولت ها را در ساختار آزادی های عمومی و احترامی که باید به آزادی های عمومی بگذارند، احیا کنیم. تضمین آزادی رسانه ها و حمایت از رسانه های سنتی یک اولویت اشکار است. اصل بی طرفی تکنولوژیک باید در سطح جهانی به رسمیت شناخته شود: تا جایی که به محتوا مربوط می شود، صرف انتقال محتوا با توجه به نقش واسطه های فنی و یا هاست های وب سایت ها برای آنان ایجاد مسؤولیت نمی کند. ایجاد سایت های اینترنتی نباید در معرض صدور مجوز یا اجازه قبلی قرار گیرد

و به این ترتیب مشاهده می شود که طبق این سند واسطه های فنی - که می توان فراهم کنندگان خدمات اینترنتی^{۱۳} را هم جزو آنها به حساب آورد - وهمینطور هاست ها هیچ مسؤولیتی در قبال محتوا ندارند و این در حالیست که در ایران فراهم کنندگان خدمات اینترنتی در قبال محتوا مسؤول شناخته می شوند.

در همین حال در بخش نتایج اصلی گزارش پایانی سمپوزیوم آزادی بیان نیز چنین آمده است:

در بسیاری از مواقع، جرایم ارتكابی کاملاً واقعی (نظیر اقدامات تروریستی، پورنوگرافی، حملات نژادپرستانه و غیره) به عنوان بهانه مورد استفاده قرار می گیرند و به اسم حمایت از جامعه و به اسم احترام به معیارهای اخلاقی در جهت سانسور محتوا به کار گرفته می شوند. بنا بر این هشدار به تمامی کارگزاران در قبال این شکاف هشدار دهنده توصیه می شود. (حفظ) آزادی بیان در اینترنت در مواقع دشوار و بحرانی بیش از پیش ضرورت دارد.

در اینجا نیز به وضوح، سانسور به اسم حمایت از جامعه و به اسم احترام به معیارهای اخلاقی مورد نکوهش و پرهیز قرار گرفته و این در حالی است که یکی از اصلی ترین و رایج ترین بهانه ها برای کاربرد و اعمال سانسور است.

اما در همین سند نکته مهم دیگری به چشم می خورد که نقطه مقابل دعاوی جهانی مبتنی بر قانون ناپذیر بودن اینترنت است و به دیگر زبان در نقطه مقابل مطلق گرایی هایی قرار

می‌گیرد که اینترنت را یک فضا و قلمروی فراقانونی می‌داند:

اینترنت هیچگاه یک فضای فرا قانونی نبوده است: قوانین ملی در مورد اینترنت کاربرد دارند و تعداد آنها نیز بسیار زیاد است. مشکل اصلی اینجاست که این قوانین ملی بسیار متعدد بوده و گاه تنوع آنها باعث ناتوانی در انطباق این قوانین با اینترنت شده است (قوانین مطبوعات و نشر و به ویژه اقدامات به عمل آمده در زمینه همگراسازی آرشیوها). اگر این قوانین با اینترنت انطباق نیابند و اگر به دنبال ایجاد همبستگی بیشتر در این زمینه باشیم با دو ریسک مواجه می‌شویم: اول اذیت و آزارهای حقوقی و دوم تداخل بی‌جای دولت‌ها در امور فراتر از مرزهای خودشان.

در این سند که می‌تواند یک نقطه شروع مناسب و منطقی در وضع قوانین قرار گیرد همچنین به جنبه مهم دیگری هم اشاره شده است:

آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی یک مزیت انحصاری برای کشورهای ثروتمند نیست. آزادی بیان دیگر یک مفهوم صرفاً غربی نیست. باید یادآور شویم که آزادی بیان در قرن هیجدهم در کشورهایی مطرح شد که در آن موقع جزو کشورهای رو به توسعه بودند (بریتانیا، کبیر، ایالات متحده و فرانسه).

جنبه مهم دیگری هم در این سند هست که می‌گوید نیل به جامعه اطلاعاتی واقعی بدون تضمین آزادی مطبوعات و رسانه‌ها ممکن نیست و به این ترتیب این مرزبندی را به تصویر می‌کشد که جامعه اطلاعاتی یک موضوع ویرینی بی‌ارتباط با آزادی‌های واقعی نیست:

نمی‌توان بدون تضمین آزادی بیان و به ویژه آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، به یک جامعه اطلاعاتی واقعی فکر کرد. روزنامه نگارانی که اینک در معرض فشارهای شدید و دائمی هستند، حتی در دموکراسی‌های تثبیت شده، میانجی‌ها و تضمین‌کنندگان تبادل اطلاعات و دانش هستند که به شهروندان کمک می‌کنند تا در مباحثه و گفتگوی دموکراتیک سهم مشروع خود را داشته باشند. یادآوری این نکته ضرورت دارد که روزنامه نگاران باید بتوانند وظایف حرفه‌ای خود را آزادانه دنبال کنند و بالاخره از دیگر سو در بخش چهارم این گزارش مهم تحت عنوان چه اصولی؟ آزادی، مسؤلیت و اقتدار با تأکید صریح بر این نکته که آزادی بیان در اینترنت بدون استثنا باید مطلق باشد و آزادی حتی در ایالات متحده آمریکا مورد تهدید است چنین آمده است:

۱. آزادی کامل؟

آزادی بیان در اینترنت بدون استثنا باید مطلق باشد. این اصل بنیادین یک هدف غایی

است که باید در جهت آن تلاش کنیم. متمم اول قانون اساسی ایالات متحده به طور کامل اراده قانونگذاران را در اعمال افق اخلاقی بر تصمیم سازان سیاسی ترسیم کرده است. معهذا، اینترنت هنوز تا یک فضای آزاد، بسیار فاصله دارد و نظارت مستمر بر تهدیداتی که علیه آزادی بیان وجود دارد، کماکان به صورت یک ضرورت باقی می ماند آزادی حتی در ایالات متحده مورد تهدید است. حوزه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم که حکم مرجع را (در زمینه آزادی بیان و عقیده) دارد، با تعدادی از محدودیت ها محصور شده است. هر دولتی به این امر تمایل دارد که مقررات خودش را اعمال کند. نمونه یاهو، یک نمونه قابل استناد در این باره است. مقولات اخلاقی نباید بر مقولات ملی غلبه یابد؛ مسأله اصلی در اینجا بیان است و نه هدایت. و این برای آزادی و شان انسانی ضرورت دارد. از بیان باید در برابر هر آنچه که قصد محدود ساختن آن را دارد و متأسفانه بخش از تاریخ آن را می سازد، حمایت کرد اکنون که در مورد این اصل بنیادین وفاق وجود ندارد می توان یک آلترناتیو چهار مؤلفه ای پیش بینی کرد:

اصل اول: آزادی در مورد هنجارهای عمومی، بدون استثنا باید مطلق باشد. حق انتقاد از دولت یک حق بنیادین است.

اصل دوم: بیان عقاید، هر چه که باشند، باید مورد حمایت مطلق قرار گیرند.
اصل سوم: آزادی بیان نباید به دلیل این که ممکن است به جامعه صدمه بزند، محدود شود.

اصل چهارم: تجربه سه اصل اول باید نشان بدهد که وضع هر استثنا در قبال این اصول اولیه را باید تحریم کرد. نباید به گسترش وحشت و ممنوعیت اجازه داد چرا که علیه آزادی بیان است.

اما به هر طریق، این مفاهیم کلاسیک در باره آزادی بیان، به جز مقررات مرتبط با چهارمین مرحله از تحول مفهوم آزادی بیان که از دهه هشتاد میلادی، وارد آن می شویم و در این دهه، تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات و از جمله اینترنت، به این آزادی ابعاد تازه ای می بخشند، عمدتاً بدون شناخت از پتانسیل تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تنظیم شده اند. بنابراین، این پرسش که تاثیر مصوبات حقوقی بر روزنامه نگاری سایبر و آزادی بیان برخاسته از آن چه خواهد بود؟ هنوز تا حد بسیار زیادی در انتظار مصوبات حقوقی آتی و به ویژه در انتظار تدوین حقوق سایبر خواهد ماند و کماکان و به شدت در هر دو سپهر شهروندان و شبکه و ندان به صورت پرسش باقی خواند ماند. □

پی نویسی ها:

- 1 . Déclaration des Droits de l'homme et du citoyen
- 2 . Bill of Rights: Amendment I
- 3 . Universal Declaration of Human Rights
- 4 . The European Convention on Human Rights
- 5 . International Covenant on Civil and Political Rights
- 6 . American Convention on Human Rights
- 7 . Mandate
- 8 . Internet hate speech
- 9 . Convention on Cybercrime
- 10 . Freedom of expression in the information society
- 11 . 15-16 November 2002 UNESCO, Paris
- 12 . ISP

منابع:

- 1 . <http://iranwsis.org/Default.asp?C=IRAR&R=&I=125#BN125>
- 2 . <http://iranwsis.org/Default.asp?C=IRAR&R=&I=36#BN36>
- 3 . COUNCIL OF EUROPE COMMITTEE OF MINISTERS . DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the Committee of Ministers on 29 April 1982, at its 70th Session)
<http://cm.coe.int/ta/decl/1982/82dec1.htm>
- 4 . Convention on Cybercrime - Budapest, 23.XI.2001
<http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/185.htm>

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی